

گروه اقتصادی / بانک و اقتصاد



پرتال جامع علوم انسانی

بررسی موانع صادرات غیرنفتی در استان خوزستان با استفاده از تحلیل عاملی

رضا دريساوی بهمنشیر
کارشناس ارشد اقتصاد
دکتر عبدالحسین بافنده
دکتری اقتصاد انرژی
دکتر فضل ا. عزیزی
دکتری آمار و عضو هیئت علمی
دانشگاه شهید چمران

اجرای سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی و گسترش صادرات بویژه صادرات غیرنفتی از جمله مسایل و رویدادهای مهم بوده که اکثر اقتصاددانان برای بهبود اقتصادی جهان مطرح نموده‌اند. بنابراین اجرای روش‌های کاهش تصدی‌گری دولت به منظور تحقق سیاست‌های توسعه‌ای و ترویج بخش خصوصی در امر صادرات غیرنفتی، نیاز به فعال‌سازی بخش‌های مختلف اقتصادی دارد. انجام فعالیت‌های گسترده در این زمینه در کشور ایران بویژه در استان خوزستان نیاز به گسترش رقابت سالم، کاهش هزینه‌های تولید و عوامل دیگری می‌باشد. در اکثر کشورهای پیشرفته تعامل نسبتاً فشرده‌ای بین گسترش بخش خصوصی با توسعه صادرات غیرنفتی وجود دارد. بمنظور توسعه و گسترش راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی نیاز به اجرای سیاست‌های اقتصادی موفق و بررسی دقیق و علمی تمامی جنبه‌های تنوریک و ارزیابی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی موثر در توسعه صادرات و برخورد با چالش‌های اقتصادی می‌باشد.

این پژوهش با توجه به شرایط حساس اقتصادی استان خوزستان و لزوم اجرای سیاست‌های توسعه صادرات غیرنفتی در این استان با توجه به در نظر گرفتن بازارهای مصرف خارجی، شیوه نوین تجاری (تجارت الکترونیک)، کیفیت کالای صادراتی، وضعیت صنعت بسته‌بندی کالا، موانع داخلی نظیر مشکلات حمل و نقل کالا و نیز عوامل دیگر انجام و سعی شده میزان تاثیرگذاری هر بخش بر شاخص‌های اقتصادی کشور و بسط و توسعه آن بمنظور بهبود عملکرد صادرات غیرنفتی استان خوزستان بررسی شود.



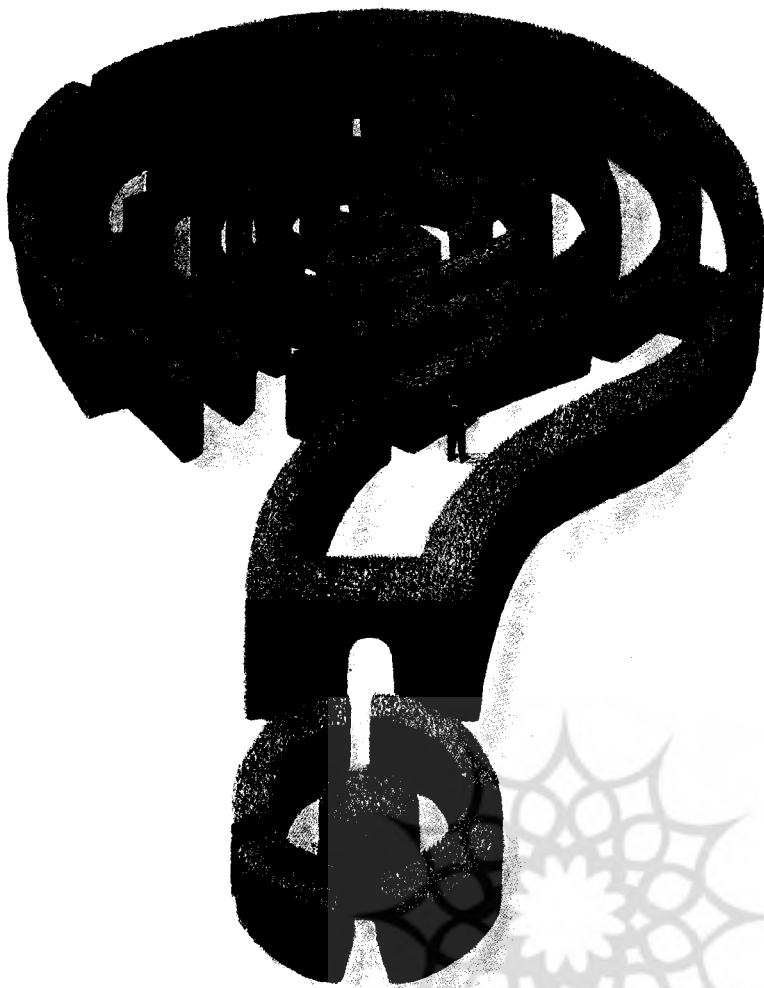
دریایی و سه بندر مهم خرمشهر - آبادان و امام خمینی همواره بدلیل ظرفیت بالای سالانه بارگیری و تخلیه کالاهای صادراتی و وارداتی از دیر باز مهمترین قطب ترانزیتی کالا را داشته است. این استان نیز دارای مناطق ویژه اقتصادی بندر امام و ماهشهر و سازمان منطقه آزاد اروند (آبادان - خرمشهر)، اتاق‌های بازرگانی فعال، خانه صنعت، اتاق تعاون، بازارچه، اتحادیه و تعاونی‌های مرزنشین و دو مرز جاده‌ای شلمچه و جزایه جهت صادرات کالا به کشور عراق است و درصد صادرات استان خوزستان به عراق از کل صادرات کشور به عراق حدود ۲۵٪ است. در این تحقیق به بررسی موانع صادرات غیرنفتی استان خوزستان و نیز تجزیه و تحلیل موانع با در نظر داشتن تقدم و تاخر آنها، میزان تاثیرگذاری عملکرد صادرکنندگان در رفع موانع موجود، استخراج نظرات بهینه سازمان‌های مسئول از جمله اتاق بازرگانی صنایع و معادن، سازمان بازرگانی، صادرکنندگان به منظور شناسایی مناسب‌تر موانع و اقدام در رفع آنها به ترتیب الویت‌های استخراجی موانع پرداخته شده است همچنین در این تحقیق از روش بررسی تحلیل توصیفی سئوالات و نیز روش تحلیل عاملی در تجزیه و تحلیل آنها استفاده فراوان شده است تحلیل توصیفی بکار رفته در این پژوهش شامل دو مرحله عمده و اساسی است در مرحله اول به تحلیل توصیفی سئوالات کلی و مشخصات عمومی پرسشنامه و در مرحله دوم به تحلیل توصیفی سئوالات اصلی پرسشنامه می‌پردازد:



با توجه به تحولات عظیم اقتصادی و گسترش صادرات، جایگاه ویژه صادرات غیرنفتی در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت فعالانه آن در افزایش تولید ملی و نهایتاً در آمد سرانه محسوس‌تر می‌شود. به دلیل وجود عوامل درونی و بیرونی موثر هنوز صادرات استان خوزستان نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را پیدا نماید. بنابراین شناخت دلایل موفقیت‌های سایر کشورها در امر صادرات و استفاده از تجربیات آنها برای رفع موانع رشد و توسعه بازرگانی خارجی کشور یک ضرورت است. در اکثر کشورهای پیشرفته بویژه کشورهای صنعتی فعالیت‌های وسیعی در این زمینه صورت گرفته و به راهکارهای علمی و عملی مثبت دست یافته‌اند. در این خصوص شناخت فرصت‌های بازرگانی و تجاری کشورهای همسایه بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند کمک شایانی در این امور بنماید و نیز با اطلاع رسانی دقیق و به موقع می‌توان تهدیدهای منطقه‌ای از قبیل تحریم را به فرصت‌های تجاری مطلوب تبدیل نمود. فراهم آوردن شرایط حضور فعال و دائمی در امر صادرات غیرنفتی در کشورهای همسایه نظیر حوزه خلیج فارس نیازمند معرفی مزیت‌ها، فرصت‌های اقتصادی و بازرگانی موجود در آن کشورها و سعی در حل مشکلات صادرکنندگان کالا و خدمات می‌باشد. تصویب قوانین جهت ساده‌تر و روان‌تر کردن امر صادرات می‌تواند نقش بسیار مفیدی داشته باشد. همچنین اهمیت و تأثیر اتاق‌های بازرگانی مشترک بر روند فعالیت‌های اقتصادی - تجاری و توسعه بخش خصوصی بمنظور افزایش میزان صادرات کالاها و خدمات بر کسی پوشیده نیست و امید است در این تحقیق با عنایت به موارد بیان شده و تدوین خط مشی‌ها و سیاست‌های اقتصادی مناسب بتوان گامی مفید در زمینه بهبود و رشد و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و بویژه صادرات غیرنفتی در استان خوزستان برداشت. انجام فعالیت‌های گسترده بخش‌های خصوصی در زمینه‌های مختلف اقتصادی در کشور نیاز به گسترش رقابت سالم، کاهش هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده محصول، افزایش کیفی کالاها و خدمات و افزایش میزان صادرات و تحرک بیشتر اقتصاد ملی دارد. نهایتاً اینکه پایه و اساس توسعه، ترویج و رونق بخش بازرگانی با اجرای سیاست‌های مناسب آزاد سازی اقتصادی که جز با توسعه و گسترش بخش خصوصی مهیا نمی‌شود. برای تحرک بیشتر اقتصادی لازم است در ابتدا به گسترش و توسعه بخش خصوصی و سپس به رونق و تحرک اتاق‌های بازرگانی توجه شود. از سوی دیگر اجرای سیاست‌های اقتصادی موفق نیاز به بررسی جامع و دقیق تمامی جنبه‌های تئوریک و ارزیابی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی مؤثر در رونق و پیشرفت اقتصادی و بررسی نتایج علمی بدست آمده دارد. از آنجائیکه استان خوزستان در جنوب غربی کشور و در منطقه استراتژیک خلیج فارس واقع است به لحاظ دارا بودن سواحل طولانی و راه‌های بین‌المللی

مرحله اول: تحلیل توصیفی سئوالات کلی و مشخصات عمومی پرسشنامه

در این مرحله فراوانی متغیرها با درصدهای مربوطه، پارامترهای مرکزی مانند میانگین، میانه، مد، مینیمم، ماکزیمم و واریانس ارائه گردیده است. عرضه این متغیرها براساس درجه اهمیت انتظاری می‌باشد و رتبه بندی آنها به گونه‌ای است که رتبه‌های بالاتر به گزینه‌های بالاتر و رتبه‌های پایین‌تر به گزینه‌های پایین‌تر اختصاص داده شده است. از نتایج بدست آمده در خصوص میزان تحصیلات صادرکنندگان ۱۴/۹٪ از صادرکنندگان زیردیپلم، ۵۲/۲٪ دیپلم، ۹٪ فوق دیپلم، ۲۲/۴٪ لیسانس، ۱/۵٪ فوق لیسانس بوده‌اند. یعنی بیش از نیمی از صادرکنندگان دارای مدرک دیپلم می‌باشند و حدوداً ۲۳/۹٪ دارای مدرک لیسانس به بالا بوده‌اند. در مطالعه قبلی که در این زمینه در سال ۱۳۸۲ صورت پذیرفته است درصد صادرکنندگان دارای مدرک لیسانس به بالا ۲۰/۱ درصد بوده است یعنی حدوداً در طی ۵ سال گذشته ۱۸٪ رشد داشته است و به طور میانگین



سالانه رشدی بیش از ۳٪ را داشته که نشان از بالا رفتن سطح دانش و مهارت صادرکنندگان است. همچنین در خصوص سابقه عضویت در سازمان بازرگانی، ۵۶/۷٪ سابقه عضویت ۱ تا ۵ سال، ۲۲/۴٪ سابقه ۶ تا ۱۰ سال، ۷/۵٪ سابقه ۱۱ تا ۱۵ سال، ۶٪ سابقه ۱۶ تا ۲۰ سال، ۱/۵٪ سابقه ۲۱ سال به بالا و ۶٪ بقیه به این سؤال پاسخ نداده‌اند و با توجه به تحقیق قبلی، افزایش ۶۸٪ را در طول ۵ سال گذشته در میزان سابقه ۱ تا ۵ سال عضویت در سازمان بازرگانی مشاهده می‌شود که نشانگر استقبال به امر صادرات و افزایش میزان صادرکنندگان می‌باشد. در خصوص زمینه فعالیت اصلی صادرکنندگان ۱۳/۴٪ تولیدی، ۵۹/۷٪ تجاری، ۱۶/۴٪ خدماتی و ۱۰/۴٪ به این سؤال پاسخ نداده‌اند که در خصوص فعالیت غیر تولیدی از میزان ۷۰/۱٪ پنج سال گذشته به رقم ۷۶/۱٪ در حال حاضر می‌توان اشاره نمود و در ۵ سال گذشته حدوداً ۸٪ را در فعالیت‌های تولیدی صادرکنندگان به نسبت فعالیت‌های تجاری و خدماتی می‌توان اشاره نمود. در خصوص مشاغل دیگر صادرکنندگان به غیر از تجارت ۲۶/۹٪ شغل دیگری غیر از تجارت و صادرات داشته و

۶۸/۷٪ تنها شغل آن‌ها صرفاً صادرات می‌باشد و ۴/۵٪ به این سؤال پاسخ نداده‌اند. البته به دلیل اینکه این سؤال جزء سئوالات حساس می‌باشد و ممانعت‌هایی از سوی سازمان بازرگانی و اتاق بازرگانی در خصوص دو شغل بودن صادرکنندگان وجود دارد و در توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها ناگزیر به کمک این دو سازمان شده‌ایم به نظر می‌رسد برخی از صادرکنندگان علیرغم اطمینان خاطر به آنان در خصوص محرمانه بودن سئوالات، به سؤال مورد نظر بدروستی پاسخ نداده‌اند بنابراین به نظر می‌رسد در خصوص شغل دیگر صادرکنندگان رقم مورد نظر از ۲۶،۹٪ بیشتر باشد.

مرحله دوم: تحلیل توصیفی سئوالات اصلی پرسشنامه

در این مرحله فراوانی متغیرها با درصدهای مربوطه، پارامترهای مرکزی مانند میانگین، میانه و مد ارائه گردیده است. عرضه این متغیرها بر اساس درجه اهمیت منعکس شده توسط پاسخ دهندگان می‌باشد. پنج گزینه جهت ارزشیابی اهمیت موانع از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» در روبروی هر کدام از سئوالات پرسشنامه وجود دارد که رتبه‌بندی آن‌ها نزولی بوده، به گونه‌ای

که رتبه ۵ به گزینه «خیلی زیاد» و رتبه ۱ به گزینه «ناچیز» اختصاص داده شده است اکنون به ترتیب نتایج بدست آمده در مورد هر فرضیه بیان می کنیم:

۱- درخصوص فرضیه تاثیر عدم شناخت بازارهای مصرف خارجی بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات مربوطه پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال ضعف ارتباط با سازمان‌های بازرگانی بین‌المللی تعداد ۳۴ نفر با ۵۸/۶٪ ضعف ارتباط با سازمان‌های بازرگانی بین‌المللی را مانع

مهمی در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۴۱/۴٪ آن را مانعی ناچیزی در صادرات غیرنفتی و تعداد ۱۵ نفر با ۲۵/۹٪ گزینه متوسط را برگزیده‌اند. در خصوص سئوال شناخت ناکافی ضوابط قانونی و حقوقی کشور طرف تجارت، از مجموع ۵۸ نفر، ۳۵ نفر با ۶۰/۳٪ آنرا عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۶ نفر با ۱۰/۳٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی و

۱۷ نفر با ۲۹/۳٪ عامل متوسط معرفی نموده‌اند. در خصوص سئوال شناخت ناکافی فرهنگ بازار کشورهای هدف از مجموع ۵۸ نفر، ۲۶ نفر با ۴۴/۸٪ آنرا عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۱۳ نفر با ۲۲/۴٪ آنرا عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی و ۱۹ نفر با ۳۲/۸٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۲- درخصوص فرضیه عدم آشنایی با شیوه‌های نوین تجارت بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال آشنایی نامناسب باشبکه اینترنت و تجارت الکترونیک ۳۵ نفر با ۶۰/۳٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۷ نفر با ۱۲/۱٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی دانسته‌اند و ۱۶ نفر با ۲۷/۶٪ گزینه متوسط را اختیار کرده‌اند. در خصوص سئوال بازاریابی و تبلیغات

نامناسب کارآمد از مجموع ۵۸ نفر، ۴۱ نفر با ۷۰/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۸ نفر با ۱۳/۷٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۹ نفر با ۱۵/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۳- در خصوص فرضیه ضعف کیفیت کالا بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال استفاده از فن‌آوری‌های قدیمی در فرآیند تولید و بهره‌وری تعداد ۲۸



نفر با ۴۸/۳٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۶ نفر با ۱۰/۳٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۴ نفر با ۴۱/۴٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال مشکلات در زمینه تهیه مواد اولیه مرغوب در کشور تعداد ۳۳ نفر با ۵۶/۹٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با ۱۳/۸٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۷ نفر با ۲۹/۳٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال آشنایی ناکافی با ضوابط و استانداردهای کیفیت کشور خریدار تعداد ۲۴ نفر با ۴۱/۴٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۶ نفر با ۲۷/۶٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۸ نفر با ۳۱٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۴- درخصوص فرضیه ضعف بسته‌بندی بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال آشنایی نامناسب با بسته‌بندی‌های لوکس و مشتری‌پسند تعداد ۴۱ نفر با ۷۰/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۴ نفر با ۶/۹٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۱۳ نفر با ۲۲/۴٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال مرغوبیت نامناسب جنس کارتن‌ها نوع بسته‌بندی انتخاب شده تعداد ۴۳

نفر با ۷۴/۱٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۸ نفر با ۱۳/۸٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۷ نفر با ۱۲/۱٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۵- درخصوص فرضیه مشکلات حمل و نقل کالا بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال هزینه‌های بالای حمل و نقل

تعداد ۳۵ نفر با ۶۰/۴٪ درصد آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۳ نفر با ۲۲/۴٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و ۱۰ نفر با ۱۷/۲٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال بعد مسافت تا مبادی صادراتی تعداد ۱۹ نفر با ۳۲/۸٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۰ نفر با ۳۴/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۹ نفر با ۳۲/۸٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال مشکلات موجود در ارتباط با نحوه سرویس‌های حمل و نقل صادراتی تعداد ۳۰ نفر با ۵۱/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۹ نفر با ۳۲/۸٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۶- در خصوص فرضیه مشکلات گمرکی و مبادی صادراتی بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سؤال رضایت بخش نبودن امکانات صادراتی بنادر انتخابی در استان خوزستان تعداد ۲۶ نفر با ۴۴/۸٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۳ نفر با ۳۹/۷٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال عدم توانایی ورود کشتیهای تناژ بالا به دلیل عدم لایروبی رودخانه بهممنشیر تعداد ۴۲ نفر با ۷۲/۴٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با ۱۳/۸٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با ۱۳/۸٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال استفاده ناکافی تولیدکنندگان داخلی جهت صدور از بنادر و گمرکات استان تعداد ۳۴ نفر با ۵۸/۶٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۰ نفر با ۱۷/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۳ نفر با ۲۲/۴٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند و یک نفر با ۱/۷٪ هیچ گزینه‌ای را انتخاب ننموده است.

۷- در خصوص فرضیه مشکلات مربوط به آموزش و تشویق صادرکنندگان در امر تجارت توسط دستگاه‌های ذیربط مانع بر صادرات غیرنفتی موثر است تعداد ۵۸ نفر به این سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سؤال برپایی ناکافی نمایشگاه‌ها، سمینارها، سخنرانی‌ها، جراید در ارتباط با چگونگی رشد صادرات تعداد ۴۱ نفر با ۷۰/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با ۱۳/۸٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

در خصوص سؤال اطلاع رسانی ناکافی در ارتباط با شناخت فرصت‌ها و نیازهای بازارهای هدف و انتشار بولتن‌های اطلاعاتی چاپی و الکترونیکی تعداد ۳۰ نفر با ۵۱/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با ۱۳/۸٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۰ نفر با ۳۴/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال برقراری نامناسب کلاس‌های آموزشی و جلسات مشاوره‌ای در ارتقاء دانش تجار و امکان حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی تعداد ۳۲ نفر با ۵۵/۲٪ آن را عامل مهم در



صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۴ نفر با ۲۴/۱٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۲ نفر با ۲۰/۷٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال ناکافی بودن امکانات، تسهیلات و تشویق‌های کافی در امر صادرات تعداد ۳۴ نفر با ۵۸/۶٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۶ نفر با ۱۰/۳٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۸ نفر با ۳۱٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۸- در خصوص فرضیه مشکلات مربوط به توسعه صادرات غیرنفتی بر صادرات

غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سؤال وقفه‌های تولید و تامین ناشی از جنگ تعداد ۲۳ نفر با ۳۹/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۳ نفر با ۳۹/۷٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۲ نفر با ۲۰/۷٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال پائین بودن ارزش افزوده برخی از اقلام صادراتی تعداد ۲۴ نفر با ۴۱/۳٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۱ نفر با ۳۶/۸٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۲ نفر با ۲۰/۷٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند و یک نفر با ۱/۷٪ به هیچ گزینه‌ای پاسخ نداده است. در خصوص سؤال کم بودن تقاضای داخلی و پایین بودن سطح تولید تعداد ۲۰ نفر با ۳۴/۵٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۵ نفر با ۲۵/۹٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۳ نفر با ۳۹/۷٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال مشکلات مربوط به صادرات قاچاق تعداد ۲۷ نفر با ۴۶/۶٪ آن را عامل مهم در صادرات

غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۶ نفر با ۲۷/۶٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۵ نفر با ۲۵/۹٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۹- در خصوص فرضیه بوروکراسی دولتی بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوالات پاسخ داده‌اند که در خصوص سؤال کثرت سازمان‌ها و مراجع تصمیم‌گیری در امر صادرات تعداد ۴۰ نفر با ۶۹٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

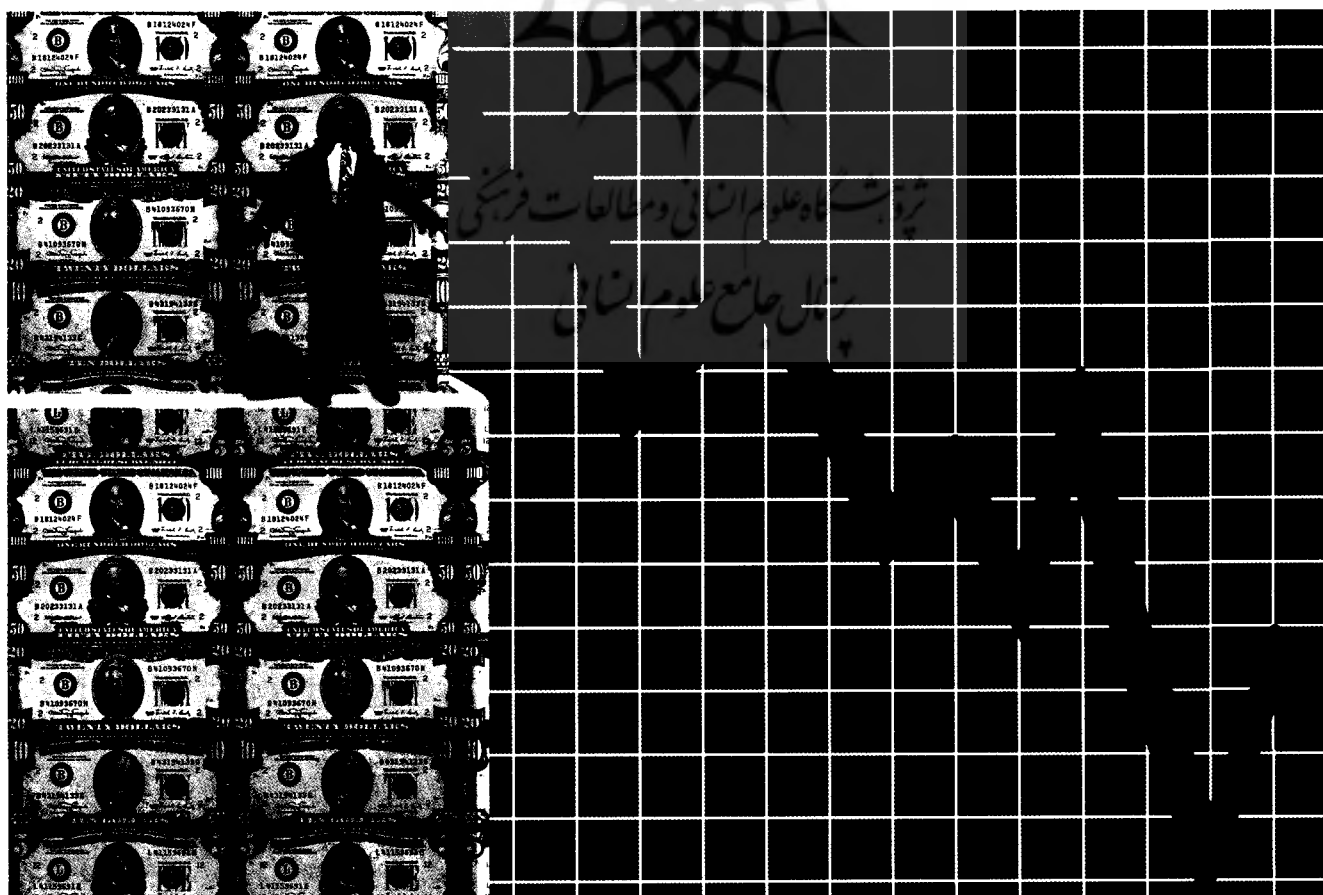
۳۷/۹٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال محدودیت‌های وارداتی کشورهای خارجی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی تعداد ۳۱ نفر با ۵۳/۵٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۸ نفر با ۳۱٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال موانع تعرفه‌ای کشورهای غیر عضو سازمان تجارت جهانی تعداد ۲۷ نفر با ۴۶/۵٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با ۳۱/۸٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۳ نفر با ۳۹/۷٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۱۱- در خصوص فرضیه مسائل قیمت‌گذاری و مشکلات مالی و ارزی بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوال پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال سیاست‌های نامناسب ارزی تعداد ۳۵ نفر با ۶۰/۳٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد

پوشش‌های مناسب بیمه‌ای و تنوع در بیمه‌ها تعداد ۲۲ نفر با ۳۸٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۷ نفر با ۲۹/۳٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۹ نفر با ۳۲/۸٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص نبود مراکز مناسب سفارش الکترونیکی و شبکه‌های بین‌المللی بانکداری الکترونیکی تعداد ۴۰ نفر با ۶۹٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.

۱۰- در خصوص فرضیه تغییر مقررات صادراتی و وارداتی بر صادرات غیرنفتی تعداد ۵۸ نفر به سئوال پاسخ داده‌اند که در خصوص سئوال نبود ثبات نسبی قوانین و مقررات بازرگانی خارجی تعداد ۳۴ نفر با ۵۸/۷٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲ نفر با ۳/۴٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۲۲ نفر با

در خصوص سئوال مسافرت‌های اجباری به تهران و سایر شهرستان‌ها برای انجام کارهای اداری صادرات تعداد ۳۲ نفر با ۵۵/۱٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۷ نفر با ۲۹/۳٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال مشکلات مربوط به اخذ مجوزهای صادراتی و تشریفات گمرکی تعداد ۴۳ نفر با ۷۴/۱٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۶ نفر با ۱۰/۳٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال نبود دیپلماسی موثر و کارا در تعامل با اقتصاد جهانی تعداد ۳۶ نفر با ۶۲/۱٪ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۹ نفر با ۱۵/۵٪ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۳ نفر با ۲۲/۴٪ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سئوال نبود



تحلیل عاملی

همانگونه که مشاهده می‌شود برخی متغیرها با مسئله صادرات و موانع آن همبستگی بیشتری داشته و از دید صادرکنندگان دارای اهمیت مضاعفی می‌باشند ولی برخی متغیرها نیز از اهمیت چندانی برخوردار نبوده و فقط در حد ارائه نظرات مطرح شده است. بنابراین ضروری است که برای بررسی دقیق‌تر و اولویت‌بندی متغیرهای مهم و حذف متغیرهای کم اهمیت از روش تجزیه و تحلیل عاملی استفاده شود، این روش یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای رفع مشکل استفاده از مولفه‌های اصلی است که به عنوان متغیرهای پیشگو می‌باشند. نکاتی که در استفاده از این روش باید در نظر گرفت عبارتند از:

- ۱- بزرگی جامعه آماری باید بیش از ۵۰ باشد.
 - ۲- ماتریس همبستگی متغیرها، باید حاوی دو همبستگی یا بیشتر، بزرگتر از $0/3$ باشد
 - ۳- هر متغیری که آزمون کایزر یا KMO کمتر از $0/5$ داشته باشد، باید از جمع متغیرها حذف گردد.
 - ۴- KMO کل نیز باید از $0/5$ بیشتر باشد.
- اولین مرحله عملیات تحلیل عاملی، بررسی تناسب بکارگیری این روش برای عملیات است که در صورت عدم موفقیت در شرایط فوق، این روش برای تحلیل داده‌ها مناسب نمی‌باشد و مرحله دوم روش تحلیل عاملی بر روی استخراج یک مدل عاملی یا الگوی وابستگی‌های بین متغیرها متمرکز می‌شود که می‌بایست نیازهای ذیل برآورده شود:

الف- عامل‌های استخراج شده باید حداقل ۵۰ درصد یا بیشتر از واریانس را در هر متغیر دارا باشد. به عنوان مثال اشتراک‌پذیری بزرگتر از $0/5$ باشد.

ب- هیچ کدام از متغیرها، بار یا همبستگی بزرگتر یا مساوی $0/4$ بر روی بیشتر از یک عامل نداشته باشد. به عبارتی دیگر از ساختار پیچیده (دو قطبی) برخوردار نباشد.

ج- هیچ کدام از عوامل نباید یک متغیره باشند. جهت رسیدن به این نیازها، باید متغیرهای مشکل‌آفرین از تحلیل حذف گردیده و دوباره عملیات تجزیه به عامل‌های اصلی (تحلیل عاملی) تکرار گردد. همچنین باید مجموعه متغیرها، بیشتر از ۶۰ درصد واریانس را توجیه نمایند. در زمان ارزیابی KMO، اشتراک‌پذیری و ضرائب همبستگی از علامت مقدار عددی همبستگی صرف نظر می‌شود. علامت عدد همواره جهت همبستگی را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر، یک بار $0/732$ - دقیقاً به همان بزرگی $0/732$ می‌باشد. علامت منفی نشانگر یک همبستگی معکوس یا منفی است. نبود علامت به معنی دلالت بر علامت مثبت، و نشانگر یک همبستگی مثبت یا مستقیم است. در ماتریس مولفه، اگر دو مولفه یا بیشتر داشته باشیم، الگوی پخش بار در نرم افزار SPSS براساس ماتریس مولفه چرخش یافته انجام خواهد گرفت و در صورتیکه فقط یک مولفه در تحلیل وجود داشته باشد، ماتریس مولفه چرخش یافته محاسبه

۱۱ نفر با 19% آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۲ نفر با $20/7\%$ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال بالا بودن قیمت تمام شده کالای صادراتی تعداد ۴۲ نفر با $72/5\%$ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۵ نفر با $8/6\%$ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۱ نفر با 19% گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال مشکلات مربوط به تامین اعتبار و نقدینگی از بانک‌ها جهت صادرات کالا تعداد ۳۵ نفر با $60/3\%$ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۶ نفر با $10/3\%$ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۷ نفر با $29/3\%$ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص عدم توان رقابت کشور با کشورهای هدف در اعطای اعتبار مالی تعداد ۳۸ نفر با $65/5\%$ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۸ نفر با $13/8\%$ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۲ نفر با $20/7\%$ گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند. در خصوص سؤال مشکلات مربوط به برگشت دلار از آمریکا به ایران تعداد ۲۶ نفر با $44/9\%$ آن را عامل مهم در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۴ نفر با $24/1\%$ آن را عامل ناچیز در صادرات غیرنفتی عنوان نموده‌اند و تعداد ۱۸ نفر با 31% گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند.



نشده و الگوی پخش بار فقط براساس ماتریس مولفه خواهد بود. هدف از انجام این چرخش‌ها ایجاد یک الگوی پخش بار مناسب است که در آن مولفه‌ها به روشنی توسط بارهای زیاد برای برخی متغیرها و بارهای ضعیف برای دیگر متغیرها مشخص می‌شوند. در بهترین حالت برای یک مولفه (عامل) داده شده، مشاهده تعداد کمی متغیر با وجود بارهای زیاد و باقی مانده آنها با بارهای بسیار کم ترجیح داده می‌شود و عمل تجزیه به عامل‌ها شبیه رگرسیون است با این تفاوت که در تجزیه به عامل‌ها، متغیرهای مشاهده شده بر روی عامل‌های غیرقابل مشاهده (عامل‌های نهایی) رگرسیون می‌شوند.

متدولوژی و روش تحقیق

در این تحقیق برای شروع عملیات تحلیل عاملی، ۳۸ متغیر سنوالات پرسشنامه



در باب اطلاعاتی به عنوان معییرهای انتخاب شده‌اند که در مرحله اول، ماتریس همبستگی با همبستگی‌های بالای ۰/۳ حاکی از مهم بودن این متغیرها می‌باشد. در بررسی انجام شده بعضی از سنوالات همبستگی پائین و برخی دیگر همبستگی بالا با دیگر متغیرها را نشان می‌دهند. میزان تناسب نمونه کل یا KMO (آزمون کایزن مرحله اول): ۰/۵۰۳ می‌باشد که قابل قبول است ولی چندان مناسب نیست و در طبقه‌بندی مقادیر KMO جزء پائین‌ترین حالت تناسب می‌باشد. به تناسب نمونه اختصاصی هر متغیر پرداخته می‌شود و بدین منظور در قطر اصلی ماتریس همبستگی، اعدادی که با

بالانویس (a) مشخص شده‌اند بررسی کرده تا اطمینان حاصل شود که بزرگتر یا مساوی ۰/۵ باشند و متغیرهای با اعداد کوچکتر از ۰/۵ از جمع متغیرهای مورد استفاده در تحلیل عاملی حذف می‌شوند. بنابر با این عمل تعدادی از متغیرها کم اهمیت از مجموع متغیرها حذف می‌شوند. در پایان مرحله اول ۱۳ عامل که مقادیر ویژه بزرگتر از یک داشته ارائه گردیده است که جمعا ۷۹/۸۰۶ درصد از واریانس را بیان می‌نماید و چون این مقدار بزرگتر از ۶۰ درصد است بنابراین کار این تحقیق قابل توجیه است. مرحله دوم پس از حذف متغیرهای با KMO اختصاصی کمتر از ۰/۵ ادامه می‌یابد که در این مرحله KMO کل برابر ۰/۶۳۴ گردیده که نسبت به مرحله اول که برابر ۰/۵۰۳ بوده از جهش بالایی برخوردار شده و در دهک ۰/۶ قرار گرفته است که تناسب مجموعه آماری مطلوب‌تر گردیده است. با توجه به ماتریس همبستگی مرحله دوم، مشخص می‌شود که در قطر اصلی ماتریس همبستگی بعضی متغیرهای با ضریب همبستگی‌های کمتر از ۰/۵ باید از جمع متغیرهای مورد نظر حذف شوند. (در صورتی که در قطر اصلی تمامی اعداد بالای ۰/۵ شوند نیازی به حذف متغیرها از این جدول نمی‌باشد و باید با مراجعه به ستونی با عنوان استخراج در جدول اشتراک‌ها مقادیر کمتر از ۰/۵ حذف نمود. حذف متغیرها باید به گونه‌ای باشد که متغیر با عدد کوچکتر را انتخاب نموده تا در مرحله بعدی تحلیل از جمع متغیرها حذف گردد و هر تعداد متغیر کمتر از ۰/۵ باید به ترتیب از کوچک به بزرگ در هر مرحله حذف گردد زیرا حذف هر یک از متغیرها می‌تواند بر میزان استخراج شده دیگر متغیرها تأثیر داشته باشد). در پایان مرحله دوم تعداد عامل‌های شناسایی شده از ۱۳ عامل در مرحله اول به ۷ عامل تقلیل یافته است. این ۷ عامل جمعا ۷۱/۵۵۵ درصد از کل واریانس را توجیه می‌نمایند و چون این واریانس هم بالاتر از ۶۰٪ است این ۷ عامل تا پایان این مرحله قابل قبول هستند. مرحله سوم پس از حذف سه متغیر قبل از جمع

متغیرهای مورد نظر در این مرحله KMO کل برابر ۰/۶۹ می‌باشد که نسبت به مرحله قبل افزایش پیدا کرده است و در دهک ۰/۶ قرار گرفته بنابراین مطلوب می‌باشد. در این مرحله ماتریس همبستگی کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۵ مشاهده می‌شوند. با توجه به جدول اشتراک‌های مرحله سوم همانگونه که مشاهده می‌شود در ستون با عنوان استخراج هیچ مقداری کمتر از ۰/۵ را در خود جای نداده است بنابراین به بررسی دیگر جدول‌ها پرداخته می‌شود. تعداد عوامل شناخته شده در این مرحله ۶ عامل بود که یک عامل نسبت به مرحله قبل تقلیل پیدا کرده است ولی درصد بیان واریانس کل ۶۹/۳۸۷ درصد می‌باشد که مقدار قابل قبولی می‌باشد. در پایان مرحله سوم براساس ماتریس مولفه چرخش یافته به دسته‌بندی متغیرهای باقی مانده پرداخته می‌شود.

نتیجه گیری

بنابراین ۶ عامل به عنوان مهمترین موانع صادرات غیرنفتی شناخته شده‌اند که جمعا ۶۹/۳۷۳ درصد از واریانس کل را بیان می‌کند. چون این شش عامل، ۱۸ متغیر از متغیرهای مذکور در پرسشنامه تحقیق را در برمی‌گیرد بنابراین فرضیه‌هایی از این تحقیق که جزء این ۱۸ متغیر باشند قابل قبول می‌باشند که عبارتند از:

الف) فرضیاتی که به عنوان عامل اول تأیید می‌گردند:

۱- فرضیه «عدم شناخت بازارهای مصرف خارجی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

۲- فرضیه «عدم آشنایی با شیوه‌های نوین تجارت بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

۳- فرضیه «ضعف کیفیت کالا بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

ب) فرضیاتی که به عنوان عامل دوم تأیید می‌گردند:

۱- فرضیه «مشکلات حمل و نقل کالا بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

مصرف خارجی، عدم آشنایی با شیوه‌های نوین تجارت، ضعف کیفیت کالا را به عنوان عامل‌های اول مانع صادرات غیرنفتی بیان نمود و ضعف بسته‌بندی به عنوان عامل‌های سوم مانع صادرات غیرنفتی بیان می‌گردد که صادرکننده نقش کاملاً مستقیمی در برطرف کردن این موانع دارد.

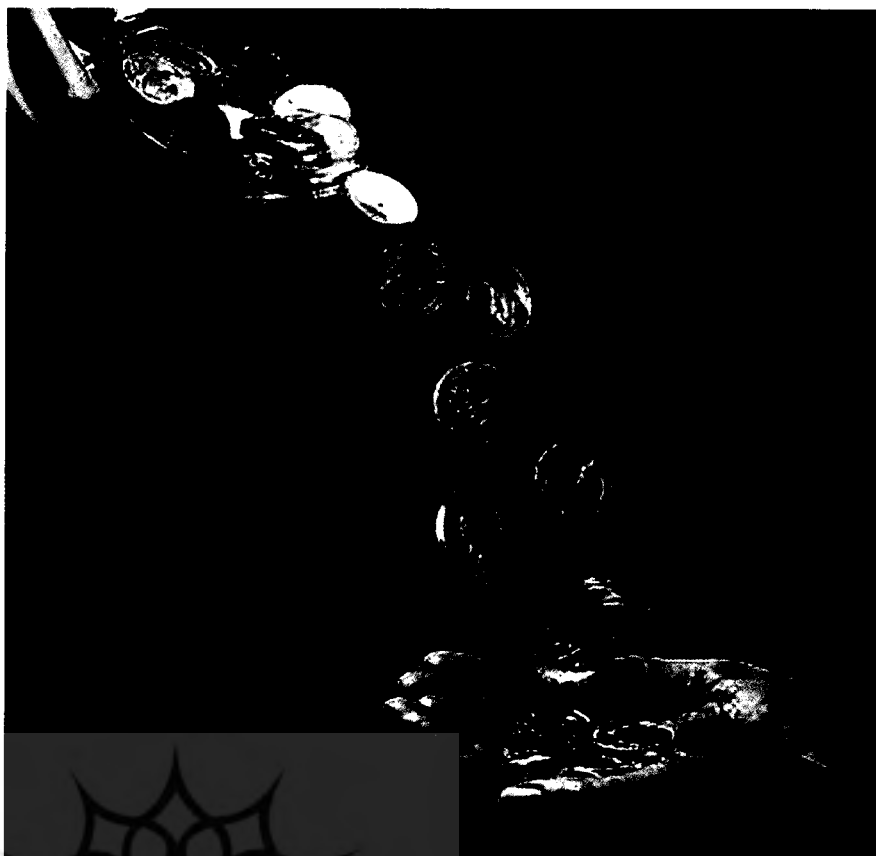
۲- موانعی که خارج از حیطه مدیریت و کنترل صادرکننده می‌باشد: فرضیه ب تحت این عنوان آمده است. قابل ذکر است به دلیل بررسی دقیق‌تر فرضیه ب این فرضیه نیز به دو بخش درون استانی (مشکلاتی که در درون استان وجود دارند و می‌توان آن‌ها را برطرف نمود) و برون استانی (مشکلاتی که در حیطه خارج از استان که مشکلات کشوری، سیاست‌های دولت و قوانین بین‌المللی می‌باشند و از آن طریق می‌توان آنها را برطرف نمود) می‌باشند که عبارتند از:

مشکلات درون استانی:

در بررسی فرضیه‌های فوق می‌توان به مشکلات حمل و نقل کالا به عنوان عامل دوم، مشکلات گمرکی و مبادی صادراتی و مشکلات مربوط به آموزش و تشویق صادرکنندگان در امر تجارت توسط دستگاه‌های ذیربط به عنوان عامل چهارم و مشکلات مربوط به توسعه صادرات غیرنفتی به عنوان عامل پنجم به عنوان موانع صادرات غیرنفتی بیان نمود که مسئولان استان می‌توانند در برطرف کردن این موانع نقش قابل توجهی را داشته باشند.

مشکلات برون استانی:

در بررسی فرضیه‌های فوق می‌توان به مسائل قیمت‌گذاری و مشکلات مالی و ارزی به عنوان عامل دوم، بوروکراسی دولتی به عنوان عامل سوم و تغییر مقررات صادراتی و وارداتی به عنوان ششم به عنوان موانع صادرات غیرنفتی بیان نمود که رفع این موانع در عهده مدیریت کلان کشور می‌باشند.



۲- فرضیه «مسائل قیمت‌گذاری و مشکلات مالی و ارزی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

(ج) فرضیاتی که به عنوان عامل سوم تأیید می‌گردند:

۱- فرضیه «ضعف بسته‌بندی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

۲- فرضیه «بوروکراسی دولتی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

(د) فرضیاتی که به عنوان عامل چهارم تأیید می‌گردند:

۱- فرضیه «مشکلات مربوط به آموزش و تشویق صادرکنندگان در امر تجارت توسط دستگاه‌های ذیربط بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

۲- فرضیه «مشکلات گمرکی و مبادی صادراتی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

(ه) فرضیاتی که به عنوان عامل پنجم تأیید می‌گردند:

۱- فرضیه «مشکلات مربوط به توسعه صادرات غیرنفتی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

(و) فرضیاتی که به عنوان عامل ششم تأیید می‌گردند:

۱- فرضیه «تغییر مقررات صادراتی و وارداتی بر صادرات غیرنفتی موثر است» تأیید می‌گردد.

اگر بخواهیم تحلیل جامع‌تری از فرضیات فوق داشته باشیم سه مانع کلی برای این تحقیق در نظر می‌گیریم:

۱- موانعی که صادرکننده در کاهش و مدیریت آن نقش قابل توجهی داشته که فرضیه الف تحت این عنوان آمده است:

فرضیات مربوط به موانع صادرکنندگان (که یک شرکت یا مدیریت آن، کنترل مستقیمی بر آن دارند): در بررسی‌های فرضیات فوق می‌توان عدم شناخت بازارهای